

باری جهانی کیست و چرا شاه امان الله را تخریب میکند؟

تا جای که فعالیت‌های قلمی جهانی نشان می‌دهد او در سال ۲۰۱۲ با نوشتن مقاله «داعلیحضرت امان



الله خان اصلاحات اوسقوط» و نشر آن در پورتال افغان جرمن آنلاین دست به تخریب شاه امان الله خان زده است. البته این مقاله او از طرف داکتر زمانی و من و دیگر خواهان نهضت امانی در همان زمان تردید شده است اما او از آن زمان تا کنون در تمام مقالات خود که به تاریخ معاصر کشور و دوره امیر حبیب الله خان و عهد امانی تعلق دارند از تخریب شاه امان الله، شاهی که از تمام شاهان محمدزانی افغانستان روشنفکرتر و منورتر و مترقی‌تر بود، شاهی که استقلال کشور را از استعمار انگلیس گرفت و به ملت خود آزادی به ارمغان آورد، شاهی که رسم بردگی را در کشور از میان برد، شاهی که دروازه‌های مکاتب را بروی فرزندان مردم در سراسر کشور باز نمود و شاهی

که افغانستان را بسوی مدرنیسم سوق داد، و در راستای ملت سازی تلاش ورزید، و نهضت نسوان را اعلام نمود و زمینه رشد زنان را فراهم ساخت، دست بر نمیدارد و پیوسته او را تخریب میکند.

واقعاً باید پرسید که جهانی کیست و اصلیتش چیست که بی باکانه بر مفاخر تاریخی و شخصیت‌های ملی و تاریخ ساز کشوری تازد و پروای کسی را ندارد؟

جهانی در مقالاتش شاه امان الله را، شاه ترسو و شاه فراری و شاه دیکتاتور و شاه تفرقه انداز میخواند.

و بدتر از همه اینها او در مقاله کیش شخصیت خود میگوید: تمام بدبختی های یک صدسال اخیر مردم

افغانستان بردوش امان الله است؛ زیرا که اگر او اصلاحات را شروع نمیکرد، شورش ۱۹۲۸ به وقوع

نمی پیوست و مردم بدبخت نمیشدند. یک چنین ادعای بی منطق را هیچ آدم نورمال مطرح نمیکند

مگر اینکه عقل خود را از دست داده باشد تا ادعا کند که مردم اگر از دست بچه سقو ظلم و ستم دیده اند

و یا از دست نادرشاه و یاهاشم خان دیده اند و یا پس از کودتای ثور بر اثر تجاوز شوروی از قشون سرخ

دیده اند و یا از سوی تنظیمهای هفتگانه ساخت پاکستان و یا هشتگانه ساخت ایران دیده اند و یا از

سوی اشغالگران امریکا با ۴ کشور اروپا در مدت ۲۰ سال حضورشان در کشور دیده اند، علت همه اش

امان الله خان بوده است! جهانی باید چقدر مزد دریافت کرده باشد تا چنین یاوه گوئی کند و پوچ بگوید

و متوجه گپ خود نباشد؟

زندگی نامه مختصر جهانی در دانشنامه ویکیپدیا چنین است: «عبدالباری جهانی زاده ۱۳۲۷ از ولایت

قندهار است. هویت قومی جهانی مجهول است، در مقاله انگلیسی ویکیپدیا در باره جهانی، هویت

قومی نامبرده لودین نوشته شده است، در جای دیگری هویت جهانی را هوتک قلمزد کرده است، در

حالیکه سید مسعود؛ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل میگوید: عبدالباری جهانی اصلاً تاجک است

و به غزنی تعلق دارد. [لینک صحبت داکتر مسعود در یوتیوب:

<https://www.youtube.com/watch?v=LNGCwPBbKsw>

(در دقیقه ۱۵ و دقیقه ۴۳)]

وی تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه میرویس نیکه به پایان رسانید و در سال ۱۹۷۲ از دانشگاه

کابل در رشته زبان و ادبیات پشتو مدرک لیسانس خود را کسب کرد. در سال ۱۹۸۱ به پاکستان و

سپس به ترکیه مهاجرت کرد و در سال ۱۳۸۳ به آمریکا رفت. وی سابقه همکاری با رسانه صدای

آمریکا در بخش رادیو را دارد و معروفیت او بعزت سرودن شعر سرود ملی افغانستان در سال ۱۳۸۶ هـ.ت. (fa.wikipedia.org)

باشنیدن سخنان استاد مسعود معلوم شد که جهانی تاجیک تبار است ولی معلوم نیست چرا او در رسانه های جمعی خود را گاهی کاکر گاهی لودین و گاهی هوتک نوشته میکند در حالی که هیچیک از اینها نیست، اومی باید به این افتخار کند که در زبان پشتو شاعر آنامداری است. جهانی به این خاطر در زیر لحاف پشتونها در آمده تا پشتونها برای او محفل شعرخوانی دایر کنند و او شعرهای خود را بخواند و آنها برایش کف بزنند.

کسانی که عبدالباری جهانی را از نزدیک می شناسند میگویند که او در لیسه میرویس نیکه از سوی ظاهر افاق که در آن لیسه بحیث معلم ایفای وظیفه میکر به حزب دموکراتیک خلق جذب شد. عبدالباری با سرعت درس های مارکسیستی را از ظاهر افاق فرامیگیرد و در تحت تاثیر اندیشه های مارکسیستی بالاخره تخلص جهانی را بر خود میگذارد. بدین ترتیب جهانی از علم برداران حزب دموکراتیک در جناح خلق میگردد. وقتی کودتای ثور پیروز شد و حزب دموکراتیک خلق بر هبری نور محمد تره کی قدرت را بدست گرفت، جهانی بخاطر انتسابش به فرکسیون ظاهر افاق به جاه و مقامی نرسید و عقده بدل ماند و اکنون از عضویت در حزب خلق منکراست در حالی که تازه خان ویال از گروپ ظاهر افاق مقیم لندن بر عضویت او در حزب خلق شهادت میدهد. جهانی در عهد ببرک کارمل خود را به پاکستان رسانید و از آنجا به آغوش امپریالیزم امریکا انداخت و مدتی بحیث نطق زبان پشتو در صدای امریکا کار کرد.

در دوره اول حکومت کرزی جهانی شعر سرود ملی افغانستان را سرود که هرگز به پایه سرود ملی عهد داود خان نمی رسد و بدلها چنگ نمیزند. سرود ملی عهد داود خان را عبدالرؤف بینوا سروده بود و بهترین سرود ملی بود. جهانی با وجود سرودن سرود اخوانی از طرف کرزی به کدام مقامی گماشته نشد و به امریکا برگشت و در آنجا برای او اتفاق بدی افتاد. جهانی مریض و گفته میشود که او سرطان دارد. جهانی به شورای علمی پوهنتون کابل درخواست می فرستد که او به مرض سرطان دچار است و ممکن است بزودی بمیرد خواهش او از شورای علمی پوهنتون این است تا جسدش را از امریکا به کابل انتقال داده در کنار مقبره سید جمال الدین افغان در محوطه پوهنتون کابل بخاک بسپارند. اما شورای علمی پوهنتون این درخواست جهانی را رد کرده گفتند مقبره سید جمال الدین مقبره عمومی نیست و اگر خلیلی در آنجا دفن شده، مارشال فهیم آنرا شبانه با یک تولی عسکر دفن نموده است و شورای علمی در تلاش است تا با ورثه خلیلی در تماس شده آنها را قانع سازد تا استخوان های خلیلی را به مقبره آبانی شان منتقل کنند. راوی این حکایت داکتر خالق رشید استاد پوهنزی زبان و ادبیات پشتو شاهد تصمیم شورای علمی پوهنتون به درخواست جهانی بوده اند.

در سال ۲۰۱۵ جهانی در کابینه داکتر اشرف غنی بحیث وزیر اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد شد. در همینجا بود که نزد وکلای قندهار این سوال مطرح شد که جهانی کیست؟ اصلیت او چیست؟ در قندهار فهمیدن اصالت اشخاص در انتخاب به حیث وکیل شورا یا وزیر دولت بسیار اهمیت دارد. بهرحال با وجودیکه وکلای قندهار به اصلیت جهانی پی نبردند مگر به حساب وطنداری چند رای کمبود او را خریدند و او شد وزیر اطلاعات و فرهنگ. اما بزودی معلوم گردید که او در کار وزارت از درایت لازم برخوردار نیست و شخص کاردانی نمی باشد. نمونه عدم کاردانی او از این گزارش خبرگزاری پژواک معلوم میشود که میگوید:

دست آورد جهانی بحیث وزیر اطلاعات و فرهنگ چیست؟

جهانی در کابینه داکتر اشرف غنی در سال ۲۰۱۵ بحیث وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان انتخاب شد و این وزارت چنانکه از نامش پیداست، ممثل فرهنگ کشور است. ۹۹ درصد کارمندان و ماموران آن

افراد تحصیل کرده و با سواد و با فرهنگ اند و هرکس به وظیفه ای که به او سپرده شده، وظایف خود را بدرستی انجام می‌دهند و غیر آن بر طرف یا تبدیل می‌شوند. او بر تخمین دوهزار افراد تحصیل کرده نتوانست دوسال حکومت کند و قبل از تکمیل دوره کارش مجبور به استعفا شد و شبانه از کشور فرار کرد در حالی شاه امان الله بر پنج میلیون مردم بیسواد فرمانبردار پیرو مرشد و ملا توانست بدون کمک کدام کشور خارجی ده سال حکومت کند و دست آورد های بزرگ و ملموسی در عرصه های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی داشته باشد و بعد بر اثر دسایس دشمنان خارجی در تنبانی با ارتجاع داخلی از کارکنار برود و از کشور خارج گردد. آیا او میتواند دست آورد خود را در مدت یک سال یا بیشتر و کمتر در وزارت اطلاعات و فرهنگ بما نشان بدهد؟

آژانس خبرگزاری پژواک روز ۲۳ قوس ۱۳۹۵ گزارش داد که: برخی منابع دولتی می‌گویند که وزیر مستعفی اطلاعات و فرهنگ، در سال جاری به حداقل ۱۵ نشست و مراسم مختلف جهانی دعوت شده؛ اما برخلاف اصول روابط بین المللی در هیچ یک از آن‌ها شرکت نکرده است. آژانس خبری پژواک، به اسنادی دست یافته است که نشان می‌دهد تمام این دعوتنامه‌ها مربوط به سال جاری میلادی (۲۰۱۶) و در جریان حدود ۱۰ ماه فرستاده شده است.

بر پایه یکی از این اسناد که از یک منبع حکومتی به دسترس پژواک قرار گرفته، عبدالباری جهانی در زمانی که به طور رسمی به عنوان وزیر اطلاعات و فرهنگ فعالیت می‌کرد، به ۱۳ نشست و مراسم در کشورهای مختلف دعوت شده؛ اما در هیچ یک از آن‌ها شرکت نکرده است. در این سند آمده است که این دعوتنامه‌ها؛ برای شرکت در نمایشگاه گنجینه باختر در جاپان، نشست گردشگری و توسعه در چین، نشست دوجانبه با مقام‌های عربستان سعودی در این کشور، کنفرانس میراث فرهنگی در ایتالیا، نشست فرهنگی ادنبرگ در اسکاتلند، نشست یونسکو در ترکیه، نشست جهانی معلومات و ارتباطات در کوریا، کنفرانس بین المللی گردشگری در ترکیه، همایش بین المللی کشورهای اسلامی در ایران، مراسم فرهنگی کانگرس امریکا، نمایشگاه گردشگری جاپان، کنفرانس جهانی گردشگری در مالیزیا، نشست کشورهای عضو سازمان سارک در مورد گردشگری در هند، فرستاده شده که همه آنها به قبل از استعفای عبدالباری جهانی، مربوط می‌شود. در نامه وزارت امور خارجه، خطاب به وزارت اطلاعات و فرهنگ، نسبت به این مسئله ابراز نگرانی شده است. «توریالی غیائی رئیس امور فرهنگی وزارت امور خارجه، ضمن تایید این نامه به پژواک گفت در صورتی که وزیر به هر دلیل ممکن نمی‌توانست در این نشست‌ها شرکت کند، باید به وزارت خارجه اطلاع می‌داد.» جهانی جواب خبرگزاری پژواک رانداه است پس ادعای خبرگزاری پژواک صحت دارد.

جهانی اگر عذر صحت داشت میتواند معین خود پوهاند رسول باوری را به عوض خود به این دعوت‌های فرهنگی بفرستد و با سهمگیری معین مسلکی وزارت این خلا را پر نماید، معلوم است که جهانی در کار وزارت اطلاعات و فرهنگ آدم با کفایتی نبوده است.

«اطلاعات روز»: اسناد منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که عبدالباری جهانی، وزیر اطلاعات و فرهنگ شخص استفاده جو بوده و مصارف برق منزل خود را نیز از بودیجه دولت اجرا می‌کرده است. در مکتوبی که به تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ از آدرس وزارت اطلاعات و فرهنگ به ریاست جمهوری نوشته شده آمده است: «بدین وسیله یک قطعه بل دوره‌ی سوم میترخوانی حاوی مبلغ ۱۹۶۵ و یک قطعه بل دوره‌ی چهارم میترخوانی به شمول باقیات گذشته جمعاً حاوی مبلغ ۸۵۱۹۵ افغانی مصارف برق منزل این‌جانب و هم چنان یک قطعه بل کلنیک جوف دهن و دندان الشفا بابت تداوی دندان‌هایم حاوی مبلغ ۱۰۵۰۰ افغانی جمعاً مصارف فوق‌الذکر حاوی مبلغ ۷۰۶۶۰ افغانی (بخوانید ۹۰۶۹۵ افغانی). بدین وسیله آرزو مندم مبلغ متذکره را به مصرف قطعی از دخل بودجه‌ی وزارت

اطلاعات و فرهنگ منظور نموده ممنون سازید.» در گزارشی که همان زمان توسط روزنامه‌ی هشت صبح به نشر رسید، نشان می‌دهد که آقای باری جهانی مصارف سفرهای غیررسمی به بیرون از کشور را نیز از بودجه‌ی وزارت اطلاعات و فرهنگ پرداخت کرده است. (رک:سایت آریانی، اخبار ۴/۳/۲۰۱۶) وزیر کدام پاسخی به روزنامه اطلاعات روز ننوشته و ادعای آن روز نامه را رد نکرده است. پس معلوم میشود که اتهام روزنامه وارد است.

افشاگریهای شبکه‌های اجتماعی از سوء استفاده‌های جهانی در وزارت اطلاعات و فرهنگ سبب گردید تا جهانی از کار وزارت استعفی دهد و شبانه از کابل فرار کند و پس از رسیدن به امریکا گناه بی کفایتی خود را بدوش اشرف غنی بیندازد. درحالی که اجرای پول برق خانه شخصی و یا پول ترمیم و ساخت دندان از بودجه‌ی وزارت و دیگر کارکردهای او از نظرقانون اختلاس شمرده میشود و جزایش پرداخت دوچنداصل پول به دولت وزندان بود.

حال یک چنین آدم استفاده جو و بی هویتی قلم برداشته و شاه امان الله غازی را شاه دیکتاتور و شاه فراری و شاه ترسو و عامل بدبختی‌های صدسال اخیر مردم افغانستان می‌شمارد؟؟ راست گفته اند که (گر قلم بردست غداری بود/ لاجرم منصور برداری بود) حالآنکه کمترین خدمت شاه امان الله به مردم افغانستان تحصیل استقلال از چنگ انگیس است و افزون بر این او برای بیرون کشیدن جامعه از مغاک بدبختی‌های قرون در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و تعمیم معارف و سواد خدمات ماندگاری انجام داده است که باری جهانی در مدت خدمات دولتی خود یک هزارم آنرا هم انجام نداده است. جهانی اگر خود را وطن دوست و با وجدان حساب میکند نباید بخاطر خوشنودی دشمنان افغانستان یکی از ستونهای تاریخ وطن را تخریب کند؟ انسان‌های وطن‌دوست و با وجدان هرگز تاریخ ملی را تخریب نمیکند. نمیدانم فرق جهانی که ادعای روشنفکری دارد با ملاصبور نوکر (ISI پاکستان) در چیست؟ هر دو ی اینها نسبت به امان الله خان عین نظر و سخنان را با عبارت مختلف بیان میکنند و به نظر میرسد که هر دو هم گماشته گان استخبارات پاکستان اند.

"تفو بر تو ای چرخ گردون تفو"

که خاین کند مرد صادق را نکوه

جهانی شاعر خیال پرداز و تشنه شهرت است و برای آنکه در عرصه تاریخ هم شهرت کمائی کند، تقلید همان کسی را میکند که برای مشهور شدن خود در مسجد ریبه بود. اکنون جهانی با تخریب شاه امان الله میخواهد خود را تاریخ دان برتر از حبیبی و غبار و انمود کند، زیرا کارکردهای شاه امان الله را غبار و حبیبی و پوپل‌زانی به نظر قدر دیده اند و هر یک آنها ده ها کارنامه شاه امان الله خان را بر شمرده اند اما جهانی به نظریات آنها اهمیت نداده بهانه می پالد تا شاه امان الله را تخریب کند. جهانی میداند که شاه امان الله به دلیل تحصیل استقلال از سلطه انگلیس چهره محبوب و کاریزما و تاثیرگذار در جامعه افغانی است، بنابراین او به بهانه‌های مختلفی بر شاه غازی سنگ ملامت پرتاب مینماید تا احياناً از محبوبیت او بکاهد! درحالی که فرزندان قدرشناس افغانستان اینقدر عقل و شعور دارند تا پشت ورق جهانی را از این موضع گیری خصمانه اش بخوانند و جلو حملات تخریب کارانه او را بگیرند. چنانکه تاکنون داکتر سید عبدالله کاظم، داکتر عبدالرحمن زمانی، احسان لمر و من و قلم بدستان دیگری چون محمد ایاز نوری و محمد انور آخر در فاع از شاه امان الله غازی ایستاده شده اند و به پاسخ حملات جهانی و دیگر گماشته‌ها پرداخته اند و بعد از این هم خواهند پرداخت.

جهانی که در دوران فعالیت‌های حزبی اش شعار مرگ بر ظاهر شاه سر میداد، اکنون در نوشته هایش از نادر شاه دفاع میکند درحالی که از نظر آگاهان سیاسی دفاع از نادر خان، دفاع از غدر و خیانت و عهد

شکني ودفاع از استبداد و اعدام ها وتلاش براي ترور اشخاص ملي ووطن پرست است. نادرشاه، کسي بود که سلطنت را با عهدشکني از فيصله هاي جرگه عليخيل پکتيا که اعاده سلطنت به شاه امان الله درحاشيه قرآن بود غصب کرد وسپس دست به کشت وکشتار رجال وشخصيتها وخاندان هايي درازنمود که همگي در کسب استقلال افغانستان از انگليس با امان الله خان همفکر وهمکاربودند ونقش کليدي درقوام رژيم امانی داشتند وبجز ضدیت با انگليس و خدمت به کشورمرتکب کدام خيانتی نشده بودند، فقط بخاطرخوشنودی انگليس نيست ونابود نمود وسلطنت را براي ۴۲ سال درخاندان خود ميراثی ساخت.

در مورد اينکه نادرخان شخص مورد نظر انگليسها بود تا بعد از اميرحبيب الله خان برسريقدرت قرارگيرد، نه تنها اسناد زيادی در آرشیفهای اسنادمحرّم هندبرتاوی موجود است بلکه اکثريت مقالات داکترعبدالرحمن زمانی گواه بر ارتباط مخفی نادرخان با انگليسها است. داکترزمانی، به ارتباط روابط خصوصي نادرخان با انگليسها پس از استقلال، بيش از پنجاه مقاله مستند نوشته است که در آرشیف مقالاتش در افغان جرمن آنلاين قابل دسترسی است، بخصوص مقالات ۱۵۲ تا ۱۹۲ داکترزمانی را در پورتال افغان جرمن آنلاين بخوبي نشان ميدهند که نادرخان کی بود؟ آياجهانی ميتواند یکی از اين مقالات را بطورمستند رد نمايد؟ فکرکنم نه خیر!

علاوه برآن اخيراً داکترسيدعبدالله کاظم زیرعنوان«لزوم نگاه نو به تاريخ»که البته منظورنويسنده تاريخ معاصرافغانستان است سلسه مقالات مستند ومحققانه ای را در ارتباط روابط مخفی نادرخان با انگليسها درپورتال افغان جرمن گذاشته است که تا کنون ۱۶ تاي آنرا خوانده ام وبقيه هم دارد وجای هرگونه شک وترديد را منتهی ميکند.

موضع گيري خصمانه جهانی در قبال شاه امان الله، آن شاه مترقی و ضد استعمار ومحصل استقلال کشور، احتمالاً بدستور استخبارات انگليس يا پاکستان خواهد بود، زیرا کسی که دربالا کشیدن پول مصرف برق منزل خودوساخت دندانهای خود از بودیجه دولت صرفه نکند، هرگاه به اوچند هزار دالر جهت تخریب شاه امان الله داده شود آیا آنرا قبول نخواهد کرد؟ صددرصد قبول ميکند. ختم

تکمله براین مقاله:



نجیب ائکزئی - ماسکو

باري جهانی ته يو سرخلاصی ليک !

باري جهانی!
دافغانستان هر اوسيدونکي چه په ستر او ويارلي امير امان الله خان پسي تخریب کوی خدای تعالی
بی شرموی !

لومړی که مهربانی وکړی کندهار یانو ته او بیا ټولو افغانانو ته ځان معرفی کړی چه د چا زوی ، په کوم ولایت کی زیریدلی ، او دافغانانو په کوم ټبر ، قوم او پلرني پوری تړلی یی ؟
قدرمنو لوستونکو ! دا پوښتنی می ځکه د باری لالا څخه مطرح کړی چه ترپرون ورځی پوری ما دی مسلی ته اشاره نه کوله او ماته دیو کندهاری افغان په نامه او حیثیت او دیو شاعر په صفت راته د قدر ور و . دهر لیکلی شعرمی یی ستاینه کړی .

خو اوس چه می ولوستل چه باری لالا زموږ دټولو افغانانو په ستر ویاړ هويت د آزادی په سمبول او زموږ نه هیریدونکی پاچا امیر امان الله خان پسی دتخریب لاس پوری کړی چه له دی امله زموږ مشهوره او قدرمن لیکوال محترم اعظم سیستانی صاحب هم د باری جهانی پر دغه گوستاخی چوپه خوله نه دی پاتی سوی او هغه یی په ادبی چوکات کی ددغه کرغیرن عمل له امله غندلی دی .
باري جهاني صاحب ! زه به ستا یوڅه سرسری پیژندنه هغو دوستانو ته وکړم چه تا نه پیژني او ستا په دی څو شعرونو تا دیو ښه شاعر په صفت پیژني .

ستا د دیخواجی پخوانی همسایه گان ستاپه هکله راز راز قیصی کوی چه ټوله یی اوس نه غواړم ذکر کړم . یوه ډله همسایه گانو دی ماته شخصاً ویلی چه ستا د اول واده په ورځ یی ماښام ستاسی په کور کی چه په دیخواجه کی د حضرت صاحب کورته مخامخ اوسیدلاست ستا په واده کی حاضر وه وایی چه ستا پلار چه په سودایی مشهوره و حتی سمه پښتو نه وه زده او نه یی مخ او قواره د کندهار خلکو ته سوی وه ستا دواده په شپه پلار ددیری خوشالی څخه یو تعداد نارینه گډونوالو ته یوه یوه قطی LM سگریټ چه په هغه وخت کی ډیر گران او نامتو سگریټ وه په تحفه ورکړی وه . او دا خوشالی یی له دی امله وه چه څنگه کندهاریانو خپله لور دده و زوی یعنی تا بدمرغه او کرغیرن ته درکړی ده . دا کیسه البته د حضرت صاحب دکورنی غړی مرحوم حضرت صاحب حاجی محمد یوسف جان مجددي چه د نویمی لسیزی تقریباً په آخیرو کښی په امریکا کښی وفات سو په خپله خوله کول . البته د حضرت صاحب کورنی ته ستا د کورنی او داچه له کومه خایه کندهارته راغلی یاست ټوله معلوم او پوره معلومات یی درلود .

باري جهاني صاحب ، افغانستان کی او په خاصه بیا کندهارکي تاغوندی ډیر بی اصله او بی نصبه انسانان اوسیری چه کله ځان په یوه او کله په بل قوم یا ټبر پوری تړی خو په کندهارکي هیڅوک نه ورکیري او ډیر ژر ثبوتیری چه څوک او له کومی راغلی دی؟ پلاریی څوک دی مور یی څوک ده ، انا او نیکه یی څوک دی ؟

ستا پخوانی د دیخواجی گاونډیان دی ټوله په تا خبردی چه ته او ستا پلار د غزنی څخه ناقلین کندهارته راغلی یاست پلار دی ځان په لومړیو وختونو کی په تاجکو پوری تړی خو بیا معلومه سوه چه حتی تاجک هم نه یاست . او تا خو ماته په ۲۰۰۳ کال کی په کابل کی په وزیر اکبرخان کی د عصمت مسلم په کور کی وویل چه زه کاکریم . حال داچه ما پسله هغه څخه په کندهار کی د څو کاکرانو څخه ستا په هکله پوښتنه وکړه خو هغوی وویل (دخدای په لحاظ هر بی نصبه او بی قومه په موږ پوری مه تړی او نه باری جهانی کاکر دی . او که چیری کاکروی زموږ په مخ کی دی وواپی) .
خو یو تعداد سنا گاونډیان وایی چه ستا لومړی ښځه یعنی د فرید مور کیدای سی په قوم لودینه وه ځکه خو فرید هلته په امریکا کی کندهاریانو ته وایی چه موږ لودین یو .

ته خپله کله ځان په لودین قوم پوري وتړی ، کله وایی چه کاکریم ،کله وایی چه سلیمان خیل یم . خو اوس چه دا درته جوته شوه چه یو قوم پوری هم نه یی تړلی گوره چه د غزنی د جاغوریو ولسوالی پوری مربوط یی که کوم بل چا پوری اړه لری اوس دی په دا سپینه ږیره بل خیر او ښه کندهار او پښتنو ونه رسیدل په امیر امان الله خان پسی چه دټول افغانستان د استقلال او آزادی بنسټ گر او سمبول دی دهغه په تخریب دی لاس پوری کړ . څنگه دی گوتی ماتی نه سوی څنگه دی لاس مات نه سو څنگه په یو بله ټکه نه سوی اخته .

په دی کرغیرن عمل دی دا هم ثبوت کړه چه تا دوزارت خو څه کوی د ماموریت ورتیا دی هم نه درلوده خو دغه دکندهار وکیلانو د داکتر غنی په حکومت کی ته راواخیستی او په وچ زور یی ته د اطلاعاتو او کلتور پر وزارت کښینولی . حتی ماته نظیر احمدزی چه د پارلمان مرستیال و وویل چه

و باری جهاني ته په پارلمان کی پښتنو وکیلانو یوازی ۱۱۹ رایې په پارلمان کی ورکړې او ددی لپاره چه دی وزارت ته بریالی سی باید ۱۲۰ رایې یی اخیستی وای خو ما په سپینو سترگو هغه رایې په ۱۲۰ اعلان کړی او په وچ زور مو جهاني بدمرغه ته دغه پوست ورکړی . خو تا دخپل وزارت په وخت کی خلکو ته شنه درواغ ویل چه ما کرزی نه پریردی چه څه وکړم اومخه می نیسی خو دا ټوله دروغ وه . تا په خپل وخت کی د اطلاعاتو او کلتور وزارت برعکس دکثافتو ډک کړ او هیڅ دی هم ونه کړه . د هارون حکیمي غوندی فاحش کسان دی راوستل او وزارت دی تر بد بدتر کړ . چه اوس هغه فاحش حکیمي په امریکا کی پر افغانی بنځو تجاوز هم کوی او بیا په بیشرمی سره خپل ځان بیگناه بنیسی ځکه تا غوندی اصیل کسانو یی ملاتړ وکړ او د امریکایی قاضیانو په مخ کی مو دروغ وویل . چه بیا تا په خپل فیسبوک کی په بیشرمی سره لیکلی و (زما حکیمي بیگناه ثابت سو) زه درته هک پک سوم .

دا لیکنه ځکه ستا په نامه وکړه چه لوستونکی یی ولولی او پسله هغه څخه ستاد هويت او بیوگرافي په هکله او داچه تا په کوم جرعت او حق باندي د امان الله خان تخریب پیل کړی او قضاوت وکړی . په دی څو شعرونو او درواغو به نور نه سره خطا باسو . یابه د خپلی کرغیرنی لیکنی په هکله د ټولو افغانانو څخه بڅبنه غواړی او یابه دی په خلکو کی مخ توریوی . انتخاب یی په تا . یادونه ! جهاني صاحب مبارکه ستا په هکله زما سره نور هم خورا زیات معلومات چه ډیر خاص دی د ثبوتونو او شواهدو سره سته او څو کسه پیژندل سوی شاهدان هم د شکر خای دی ژوندی دی . که اړتیا پیدا سوه هغه هم دلوستونکو په اختیار کی ورکوم . ماته د افغانستان او بالخصوص د کندهار هر اوسیدونکی دقدرور او زما دسر سترگی دی خو هیچا ته حق نه ورکوم چه زما تاریخ هويت او ویاړونو ته سپکاوی وکړی . پای